

Semantic Foundations of the Social Orientation of the Qur'an Interpretation and its Methodological and Effective Indicators

Reza Bani Asadi¹
Fatima Ghaffarnia²

ABSTRACT

One of the most important developments in the interpretation of the Holy Qur'an in the contemporary era is the emergence of a new orientation of study called social interpretation. The goal of this orientation is to leave the Holy Qur'an out of isolation, by turning it into a dynamic source for solving doubts about religion in new areas of social life, responding to the new needs of social life and treating harms affected by the new manifestations of social life. This interpretive orientation was emerged as a result of the confrontation between Islamic societies and Western civilization and the reformers' search for a solution to the decline of Islamic societies by returning to the Holy Qur'an. There are foundations and indicators have been mentioned for this orientation. Some of the stated indicators are not free of problems, some of them are not accurate and some others are not independent but also observed in other interpretation orientations.

This research, with a descriptive-analytical method, aims to review the semantic foundations, methodical and effective indicators of this interpretive orientation, in order to provide the basis for further benefit from it.

KEYWORDS: Holy Qur'an, Interpretation of the Qur'an, Social Interpretation, Foundations of Social Interpretation, Indicators of Social Interpretation.

1- Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Shahid Sadougi University of Medical Sciences, Yazd, Iran (corresponding author)

fatemi251@gmail.com

2- Graduated level 4, field of comparative interpretation, Rafia Al-Mustafi Seminary Institute of Higher Education, Tehran, Iran masumi251@gmail.com





تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲

20.1001.1.27833542.1402.3.4.2.2

10.22034/arq.2023.190742



نوع مقاله: پژوهشی

مبانی دلالی و شاخصه‌های روشی و آثاری گرایش اجتماعی تفسیر

رضا بنی اسدی^۱

فاطمه غفاریان^۲

چکیده

از تحولات بسیار مهم تفسیر قرآن کریم در دوره معاصر، پیدایش گرایشی جدید به نام تفسیر اجتماعی است. هدف این گرایش خروج قرآن کریم از انزوا و تبدیل آن به منبعی پویا برای رفع شبهات وارد بر دین در عرصه‌های جدید زندگی اجتماعی، پاسخ‌گویی به نیازهای جدید زندگی اجتماعی و درمانی برای دردهای متأثر از جلوه‌های جدید زندگی اجتماعی است. بروز این گرایش تفسیری با مواجهه جوامع اسلامی و تمدن غرب و چاره‌جویی برای درمان انحطاط جوامع اسلامی از سوی مصلحان به‌وسیله بازگشت به قرآن کریم نمود پیدا کرد. برای این گرایش تفسیری مبانی و شاخصه‌هایی شمرده شده است. تعدادی از شاخصه‌های ذکر شده خالی از اشکال نبوده و نمی‌توان آن‌ها را از شاخصه‌های این گرایش تفسیری محسوب کرد. برخی از عناوین شاخصه‌ها دقیق نیستند و برخی از شاخصه‌ها در گرایش‌های تفسیری دیگر نیز مشاهده می‌شوند. این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی است درصدد است تا به نقد و بررسی مبانی دلالی و ویژگی‌های روشی و آثاری این گرایش تفسیری بپردازد و با معرفی بیشتر این گرایش زمینه را برای بهره‌مندی بیشتر از آن فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، تفسیر قرآن، تفسیر اجتماعی، مبانی تفسیر اجتماعی، شاخصه‌های تفسیر اجتماعی.

۱- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول) fatemi251@gmail.com

۲- دانش آموخته سطح ۴، رشته تفسیر تطبیقی، موسسه آموزش عالی حوزوی رفیعه المصطفی، تهران، ایران. masumi251@gmail.com



۱. مقدمه

قرآن کریم علاوه بر آیاتی که در حوزه جهان‌بینی و ایدئولوژی فردی انسان‌ها ارائه داده است، دارای آیاتی است که در پی ترسیم نظام سیاسی - اجتماعی کامل و ساختار جامع برای حیات جمعی انسان‌ها است؛ هیچ کتاب آسمانی به وسعت قرآن به بیان مسائل مرتبط به زندگی اجتماعی انسان و تنظیم روابط اجتماعی آحاد مردم با یکدیگر پرداخته است.

این بُعد از قرآن در عصر جدید به‌ویژه در دو سده اخیر به دلیل رویارویی عالم اسلام با غرب متجدد و مسائل مرتبط با آن، بیشتر مورد توجه مفسرین قرار گرفته است. هدف اصلی این گرایش قرار دادن قرآن در جایگاه حقیقی آن از بعد اجتماعی است. بنیان‌گذار گرایش اجتماعی در تفسیر سید جمال‌الدین اسدآبادی است و اولین تفسیر اجتماعی توسط شاگردش «شیخ محمد عبده» به رشته تحریر درآمده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ۶: ۱۹۲) و پس از وی مفسران زیادی به تفسیر آیات قرآن با این گرایش پرداختند.

تفسیر اجتماعی، پیوند تنگاتنگی با تفسیر عصری و نیز تفسیر اجتهادی دارد؛ به طوری که تفکیک دقیق این گرایش‌ها سخت به نظر می‌آید. به همین دلیل برخی از محققان گرایش اجتماعی را «المدرسة الحديثة فی التفسیر» نامیده‌اند و معتقدند این رویکرد، به‌جز در مورد سید قطب، در اصول و روش‌ها در امتداد سنت تفسیری در عالم اسلام بوده و از شیوه قدیم پیروی می‌کند. مفسر گرایش اجتماعی در تفسیر خود به آنچه در پیرامونش می‌گذرد، توجه دارد؛ چنانکه در تفسیر و تطبیق آیات از مثال‌های زمانه خویش استفاده می‌کند (شیوا پور، ۱۳۸۷: ۱۰۳). آیت‌الله معرفت نیز تفسیر را به دو نمط و منهج «تفسیر به مأثور» و «تفسیر اجتهادی» تقسیم کرده و تفسیر اجتماعی را از اقسام تفسیر اجتهادی قرار داده است (معرفت، ۱۴۱۸ ق، ۲: ۲۱-۲۷، ۳۴۹، ۳۵۳).

همچنین از این جریان تفسیری در تفسیر پژوهی‌ها با عناوین متفاوتی چون تمدنی، اجتماعی، عقلانی، تربیتی و حرکتی یاد شده است، در عین حال این عناوین در برخی از نگاه‌های جریان‌شناسانه به‌عنوان جریان‌های موازی قلمداد شده‌اند (نفیسی، ۱۳۹۳: ۴۴).

قرآن، کتاب جاوید آخرین پیامبر (ص)، فرا زمان و مکان بوده و منحصر به افراد خاص نیست؛ انحصار کاربرد قرآن به بعد زندگی فردی انسان و انحصار تفسیر آن به شرح لغت و تجزیه و ترکیب و بلاغت و جمود در آن با اندیشه‌های فرسوده و بی‌تحرک، اجحاف در حق کتابی است که گذشت زمان از تازگی آن نمی‌کاهد و در هر زمان و مکان نقش هدایت‌گری دارد.

از یک‌سو عواملی چون اعتقاد به جامعیت و جاودانگی قرآن و این‌که قرآن افزون بر دستورالعمل‌های فردی قوانین و احکام اجتماعی دارد، ادعای ظرفیت داشتن این کتاب آسمانی برای پاسخگویی به نیازهای زمان در ابعاد مختلف، دگرگونی در نگرش به نیازهای دینی و معنوی، خارج کردن قرآن از حاشیه و حالت تشریفات به متن و محور زندگی و قرار دادن آن در جایگاه حقیقی و شایسته آن، نیاز به رویکردی جدید به قرآن مجید دارد.

از سوی دیگر حجم گسترده‌ای از شبهات و سؤالات در حوزه دین، به‌ویژه در کفایت آن در رویارویی با تمدن غرب و توانایی پاسخ به تحولات فکری و فرهنگی به وجود آمده در اثر این رویارویی، نیاز به بازنگری در فهم از دین و تحلیل ابعاد مختلف دین‌پژوهی را دارد.

عوامل فوق، ضرورت توجه به ابعاد اجتماعی و تربیتی و تفسیر مشکلات جامعه با رویکرد به بخش اجتماعی از آموزه‌های قرآن را در پی دارد. به‌ویژه با ناکافی بودن مباحث تفسیری مرسوم و سنتی در پاسخگویی به نیازهای زمان، نیاز به چنین گرایشی بیشتر نمود پیدا می‌کند.

در تفسیر اجتماعی سعی می‌شود کل آیات قرآن در نظر گرفته شود تا راه‌کاری برای حل مسائل و مشکلات اجتماعی پیدا شود و جامعه اسلامی به حرکت خود به‌سوی پیشرفت ادامه دهد (علوی مهر، ۱۳۸۱: ۳۴۳).

تفسیر اجتماعی قرآن، دارای ویژگی‌های بسیاری است (آقایی، ۱۳۸۸: ۳۱) که هر یک از این ویژگی‌ها به‌تنهایی ضرورت توجه به گرایش اجتماعی و گسترش آن را نمایان می‌کند. از مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیر اجتماعی ایجاد تحول در نگرش به اسلام به‌عنوان دینی زنده و پویا است. گرایش اجتماعی در تفسیر باعث آشنا سازی انسان با حیات اجتماعی از مبدأ قرآنی و زدودن غبار عادت،

خرافه، رکود از چهره دین، برانگیختن روح مبارزه و مقاومت و ایجاد هویت مستقل دینی در سایه معارف قرآن در جامعه می‌شود (سید رضا مؤدب؛ مجتبی روحانی زاده، ۱۳۹۲: ۶۳).

کشف قوانین و نظام‌های اجتماعی نهفته در قرآن، راهکار معضلات و عقب‌ماندگی‌های جامعه اسلامی نسبت به سائر جوامع، یافتن پاسخ پرسش و نیازهای اجتماعی انسان، استخراج مبانی موضوعات مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و سنن اجتماعی و مسائل مرتبط با تمدن و نظم و آبادانی و تلاش برای ایجاد وفاق میان آموزه‌های اسلامی و ملزومات زندگی عصر جدید و مهم‌تر از همه مسئله مبانی و ویژگی‌های نظام حکومتی اسلام و اثبات همگامی قرآن با تغییر و تحولات زمانه و نقد و بررسی شبهه‌های وارد شده بر قرآن، از دیگر ویژگی‌های تفسیر اجتماعی است.

این پژوهش با درک ضرورت تحقیق درباره گرایش اجتماعی تفسیر درصدد است تا با روش توصیفی تحلیلی به مبانی دلالتی این گرایش و نیز شاخصه‌های روشی و آثاری آن پرداخته و با فراهم کردن آشنایی بیشتر با این روش تفسیر، گامی در راه استفاده بیشتر از آن بردارد.

۲. پیشینه تحقیق

درباره این موضوع پژوهش‌هایی نیز صورت گرفته است که مقاله «مبانی و شاخصه‌های تفسیر اجتماعی قرآن کریم» تألیف کاظم قاضی‌زاده و روح‌الله ناظمی، از آن جمله است. در این مقاله که شاخصه‌های اصلی این رویکرد جدید تفسیری را مبانی نیز نامیده است به چند شاخصه از جمله نگاه جامع‌گرایانه به قرآن، عقل‌گرایی در تفسیر، تأکید بر هدایت‌گری قرآن و ساده‌نویسی در تفسیر اشاره شده است. مقاله مذکور تصریح می‌کند که مبانی پیش‌گفته به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب بروز برخی ویژگی‌های دیگر در تفاسیر اجتماعی شده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ویژگی‌هایی همچون اعتقاد به اصالت قرآن نسبت به دیگر مصادر تشریح، انکار و نکوهش تقلید به‌ویژه در تفسیر قرآن، کاستن از شأن و حجم تفسیر مآثور، واقع‌نگری و توجه به نیازهای

جامعه، استفاده از زبان ساده و همه‌فهم در تفسیر نگاری و پرهیز از طرح تفصیلی مباحث ادبی، فقهی و کلامی در تفسیر اشاره کرد (ر.ک: قاضی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۳-۵). به عقیده نگارنده شاخصه غیر از مبانی است زیرا ممکن است امری از مبانی این گرایش باشد اما شاخصه آن نباشد یعنی در گرایش‌های دیگر تفسیری نیز وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال عقل‌گرایی در تفسیر اجتماعی که یکی از مبانی این گرایش است در گرایش تفسیر عقلی نیز وجود دارد پس نمی‌توان آن را از شاخصه‌های تفسیر اجتماعی دانست. از این رو اطلاق نام مبانی بر شاخصه صحیح به نظر نمی‌رسد.

پژوهش دیگر مقاله «مبانی تفسیر اجتماعی قرآن کریم» تألیف سید رضا مؤدب و مجتبی روحانی زاده است که در آن تصریح شده گرایش اجتماعی تفسیر افزون بر مبانی عام تفسیر، از مبانی خاصی نیز مانند. امکان تفسیر علمی قرآن؛ امکان استخراج قوانین جامعه‌شناختی از قرآن کریم در دو بخش تاریخی و اجتماعی؛ امکان ترسیم و تعیین اصول و قواعد نظام اجتماعی مطلوب از نگاه قرآن کریم؛ وجود و امکان شناسایی مفاهیم، محورها و گزاره‌های همسو و ناظر به مباحث اجتماعی و همچنین توجه به تجربه‌های بشری در فهم و انسجام و وحدت در پیام‌های قرآن برخوردار است (ر.ک: مؤدب، ۱۳۹۲: ۵۷-۷۸). یکی دیگر از پژوهش‌های صورت گرفته مقاله «روش‌شناسی تفسیر اجتماعی قرآن» تألیف محمدرضا آقایی است که مؤلف در آن با استفاده از یافته‌ها و آموزه‌های موجود در عرصه تفسیر قرآن کریم در بخش قواعد، مبانی و پیش‌فرض‌ها و همچنین با توجه به آموزه‌های جامعه‌شناختی، مناسبتی بین تفسیر و قرآن کریم، در قالب تفسیر اجتماعی برقرار می‌سازد و ضرورت پرداختن به چنین رویکردی را با توجه به اصول یادشده تبیین می‌نماید. به عقیده مؤلف مقاله مذکور در شرایط فعلی که دانش رو به گسترش است و به همان میزان توان بهره‌وری از قرآن کریم رو به افزایش است، با مراجعه به مسائل علوم از جمله جامعه‌شناسی، می‌توان پاسخ‌های متقن و پذیرفتنی از قرآن کریم استخراج کرد و به حل آن مسائل کمک کرد (ر.ک: آقایی، ۱۳۸۸: ۱۱-۳۶) البته این مقاله به شاخصه‌های این گرایش پرداخته و عقیده منقول از مؤلف نیز مختص گرایش اجتماعی تفسیر

نیست، بلکه می‌تواند سرآغازی برای ایجاد گرایش‌های جدید تفسیری مانند گرایش اقتصادی نیز باشد.

مقاله «درآمدی بر اصول تفسیر اجتماعی عقلی قرآن» تألیف محمد اسعدی، پژوهش دیگری در همین زمینه است. این پژوهش، برای تفسیر اجتماعی عقلی اصولی نظری و اصولی عملی قائل شده است و برای اصول نظری مواردی مانند نقش‌آفرینی ابعاد اجتماعی انسان در مقاصد هدایتی قرآن، امکان استخراج دیدگاه‌های هدایتی قرآن در مسائل اجتماعی، نقش و نسبت ادله نقلی و عقلی در تفسیر اجتماعی را برشمرده است، چنان‌که برای اصول عملی نیز مواردی مانند شناخت مسائل و مفاهیم اجتماعی، بررسی مفاهیم اجتماعی قرآن، توجه به اصول توسعه دلالتی قرآن، جست‌وجوی شواهد روایی مرتبط و بالاخره عقلانیت اجتهادی در تحلیل‌های اجتماعی از آیات را ذکر کرده است (اسعدی، ۱۳۹۸:

۴-۲۲). به عقیده نگارنده ذکر «تفسیر اجتماعی عقلی» برای موضوع مقاله با اصل نظری «نسبت ادله نقلی و عقلی در تفسیر اجتماعی» که به نظر خود مؤلف یکی از اصول تفسیر اجتماعی عقلی است سازگاری ندارد، زیرا در این نوع تفسیر نقل جایگاهی ندارد تا نسبت آن با عقل سنجیده شود؛ همچنین به نظر می‌رسد بیان اصولی به‌عنوان اصول عملی صحیح نباشد زیرا موارد مذکور به‌عنوان مثال شناخت مسائل و مفاهیم اجتماعی، در حوزه نظری هستند.

مقاله «تفسیر اجتماعی قرآن؛ چالش تعریف و ویژگی‌ها» تألیف شادی نفیسی، در همین راستا نگارش یافته است. مؤلف در این پژوهش به چالش‌های موجود در تفسیر اجتماعی نسبت به‌عنوان، تعریف و ویژگی‌ها پرداخته است. وی عنوان تمدنی، اجتماعی، عقلانی، تربیتی و حرکتی را یک چالش در حوزه عنوان این گرایش محسوب کرده است. همچنین معتقد است در مقام تعریف نیز معمولاً تفسیر پژوهان توضیحاتی اجمالی در مورد آن ارائه داده‌اند که عام‌ترین آن‌ها مناسب‌ترین تعریف انتخاب شده است همچنان‌که در حوزه ویژگی‌ها نیز معتقد است که محققان بیش از همه متأثر از دیدگاه ذهبی در این موضوع بوده‌اند اما خود در نهایت ویژگی‌های تفسیر اجتماعی را در دو محور پیراستن چهره اسلام از نقایص و اثبات توانمندی آن سامان‌دهی می‌کند.

پژوهش دیگر، مقاله «روش‌شناسی تفسیر اجتماعی قرآن» تألیف سید حسین فخر زارع است که مؤلف در آن ابتدا به روش‌های تفسیر قرآن از قبیل روش‌های عقلی، عرفانی، کلامی، روایی، قرآن به قرآن و غیره و مبانی عام مفسران در تفسیر اشاره کرده است؛ و سپس یادآور شده که تفسیر اجتماعی قرآن دارای مبانی و شیوه‌های خاص خود است و در ادامه نیز به‌اختصار به تفاوت‌های روش‌شناسانه قرآن کریم با روش‌های علمی رایج بشری اشاره نموده و بیان کرده که قرآن خود را در قالب‌ها و چارچوب‌های خاصی محدود نکرده و از روش‌های مختلف عقلی، تاریخی، قدسی و غیره بهره برده است و گاه از روش‌های تلفیقی و ترکیبی استفاده کرده است. به عقیده وی در متدلوژی قرآن در همه روش‌هایی که به کار گرفته، یک «روح توحیدی» حاکم است که اگر به آن توجه نشود، بحث از روش‌های قرآنی، بحثی ناتمام است.

پژوهش حاضر با بررسی منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است و هدف آن تبیین مبانی دلالتی گرایش تفسیر اجتماعی و تحلیل و بررسی شاخصه‌های این گرایش تفسیری در دو حوزه روشی و آثاری است. پس از مرور اجمالی و نقد مختصر برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، اینک به مبانی و شاخصه‌های تفسیر اجتماعی پرداخته می‌شود اما قبل از آن به مفهوم تفسیر اجتماعی اشاره می‌شود.

۳. مفهوم تفسیر اجتماعی

تفسیر اجتماعی گرایشی در **تفسیر** در دوره معاصر است؛ برای این گرایش چندگونه تعریف ارائه شده که هر یک به ابعادی از این گرایش تفسیری اشاره دارد که در اینجا به این تعاریف پرداخته می‌شود.

اول، تفسیر اجتماعی، تفسیر آیات قرآن متناسب با اهداف ترتیبی انسان برای وصول به سعادت و ارائه راه‌حل‌های تربیتی و اجتماعی و تقنینی است (فخر زارع، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۳۴؛ مدبر، ۱۳۸۹: ۱۸۵-۲۰۴).

دوم، تفسیر اجتماعی به‌منزله خضوع در برابر مفاهیم اجتماعی و نیازهای واقعی عصر برای ایجاد ارتباط میان هدف اجتماعی و هدف دینی است (ایازی، ۱۳۷۳: ۵۳).

در هر دو تعریف، تبیین مفاهیم قرآن، رنگ جمع‌گرایانه‌ای به خود می‌گیرد، لکن تعریف دوم در عین آن که جامع‌نگرتر است، در معرض خطر تحمیل نظریه‌ها بر قرآن و تفسیر به رأی است.

در تعریف اول، هدف مفسر ارائه راه‌حل‌های تقنینی، اجتماعی و تربیتی با توجه به خصوصیات و نیازهای انسان است و مفسر در پی ارائه راهکار برای حل مشکلات اجتماعی با ارزیابی و تحلیل مسائل اجتماعی است؛ درحالی که در تعریف دوم مفسر در زمینه‌های مختلف اجتماعی نظریه‌پردازی می‌کند و به شبهات گوناگون پاسخ می‌دهد و معضلات و مشکلات را پیش‌بینی می‌کند (فخر زارع، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۳۴). به‌طور طبیعی مفسر در این روش از جایگاهی مسئولانه و متعهدانه نسبت به قضایای جامعه اسلامی می‌نگرد و آنچه مطابق تعالیم قرآنی و فرهنگ اسلامی است را ارائه می‌کند (ایازی، ۱۳۸۱: ۷۵؛ همان، ۱۳۷۳: ۵۳).

سوم، تفسیر اجتماعی به معنای توضیح آیات الاجتماع است. مفسر می‌کوشد تا آیات اجتماعی قرآن را شرح بیشتری دهد و تفسیر گرایش اجتماعی پیدا کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

چهارم، تفسیر اجتماعی به معنای استنباط و استخراج عناصر نظام اجتماعی (مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها و ...) از قرآن و ارائه آن به اندیشمندان اجتماعی برای سامان دادن به جامعه بر اساس آن است (فخر زارع، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۳۴). پنجم، تفسیر اجتماعی به‌منزله نگاه اجماعی به همه آیات با رویکرد اجتماعی و بررسی کارکرد اجتماعی موضوعات و آیات قرآنی برای دستیابی به آموزه‌های اجتماعی است. این شیوه، تمام آیات قرآن را در برمی‌گیرد (همان).

در این پژوهش مراد از گرایش اجتماعی، تفسیر قرآن با دید نیازهای اجتماعی است. این گرایش بر اساس یافته‌هایی از قرآن به مباحث موردنیاز جامعه برای حل مشکلات اجتماعی عصر می‌پردازد و هدف آن خروج قرآن از کتابی صامت به منشوری گویا و پویا برای سعادت زندگی انسان در بعد اجتماعی است.

۴. مهم‌ترین تفسیرهای گرایش اجتماعی

قبل از ظهور گرایش اجتماعی تفسیر در دوران معاصر، مطالب اجتماعی در برخی

از تفسیرهای سابق نیز مشاهده می‌شد اما این که تفسیری با این رویکرد تألیف شود یا دست کم قسمت‌های قابل توجهی از آن با این رویکرد نگارش یابد مخصوص دوران معاصر است. تفسیر الکاشف، تفسیر من وحی القرآن، تفسیر پرتوی از قرآن، تفسیر المیزان و تفسیر تسنیم را می‌توان از مهم‌ترین تفسیرهای گرایش اجتماعی قرآن محسوب کرد که در اینجا برای آشنایی اجمالی توضیح مختصری درباره آن‌ها داده می‌شود.

تفسیر الکاشف اثر علامه شیخ محمدجواد مغنیه، از علمای لبنان، دانش‌آموخته حوزه علمیه نجف اشرف و از منادیان تقریب بین مذاهب اسلامی است (ایازی، ۱۳۷۳: ۵۶۹). مغنیه دارای دو تفسیر است: «الکاشف» تفسیر مفصل و «المبین» تفسیر مختصر وی است (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۷۸)؛ تفسیر الکاشف به زبان عربی و کامل با شیوه تفسیر ترتیبی و گرایش اجتماعی، تربیتی و کلامی است؛ البته مغنیه گاه از شیوه تفسیر موضوعی در کنار تفسیر ترتیبی بهره می‌برد. وی با ارائه سبک جدید در تفسیر، مفاهیم قرآن را با بیانی موجز و متناسب با مقتضیات زمان و دلایلی متین و معقول بسیار روان و درخور فهم بیان کرده است (معرفت، ۱۴۱۸، ۲: ۵۰۴).

تفسیر دیگر از تفاسیر اجتماعی شیعه تفسیر «من وحی القرآن»، اثر علامه سید محمدحسین فضل‌الله از دانشمندان معاصر شیعه و مجاهد لبنانی است که دیدگاه‌های مبارزاتی او علیه اسرائیل و استعمارگران معروف است؛ (علوی مهر، ۱۳۸۱: ۳۴۷) تفسیر «من وحی القرآن»، تفسیر کامل، تربیتی، اجتماعی و سیاسی است و مباحث ادبی، بلاغی و فقهی کم‌تر در آن مورد بحث قرار گرفته است. شبهات اعتقادی مطرح و پاسخ داده شده و در حد توان از روایات اسرائیلی پرهیز شده است (علوی مهر، ۱۳۸۱: ۳۴۷؛ همان، ۱۳۸۴: ۳۷۸). این تفسیر دارای سبک جالب ادبی و ممزوج با سبک علمی است (معرفت، ۱۴۱۸، ۲: ۵۰۲) همچنان گرایش اجتماعی و خارج نمودن تفسیر و معنای آیات از حیطه انتزاع و ذهن و دقت به تطبیق آیات با واقعیت خارجی در این تفسیر، مشهود است. در واقع رویکرد واقع‌گرایانه (در برابر رویکرد رمزگرایانه و باطن‌نگرانه) و در پی آن گرایش سیاسی و اجتماعی در تفسیر از بارزترین ویژگی‌های روش تفسیری سید

فضل الله است (شیوا پور، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۱۲۹).

تفسیر «پرتوی از قرآن» در اوج نابسامانی اوایل انقلاب توسط سید محمود طالقانی با گرایش اجتماعی به رشته تحریر درآمد؛ (ر.ک: علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۳۸). طالقانی از سال ۱۳۱۸ شمسی تفسیر قرآن را در مسجد پدر شروع کرد و تا سال ۱۳۵۸ که درس‌های قرآن در صحنه را می‌گفت، تفسیر قرآن را در مسجد، زندان و هر جا و سخنرانی و نوشته‌ای رها نکرد. (ر.ک: علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۳۸). تفسیر «پرتوی از قرآن» با گرایش تربیتی، اخلاقی و اجتماعی، با توجه به نیازهای نسل جدید و به شیوه تفسیر «فی ظلال القرآن» و با در نظر گرفتن تحقیقات مورد نیاز که از تفسیر «المیزان» اخذ شده، به رشته تحریر درآمده است (معرفت، ۱۳۷۹: ۲: ۵۰۸).

«المیزان فی تفسیر القرآن» معروف به تفسیر المیزان مهم‌ترین تفسیر شیعی در دوره معاصر است؛ این اثر گران قدر تألیف علامه سید محمدحسین طباطبایی از متفکران بی نظیر عصر حاضر است که تسلط وی بر قرآن، فقه، اصول، فلسفه و حدیث، تفسیرش را از تفسیرهای دیگر ممتاز ساخته است (ر.ک: نفیسی، ۱۳۷۹: ۱۱۸؛ اوسی، ۱۳۸۱: ۱۶۱؛ رزم‌آرا، ۱۳۷۵: ۹۸). تفسیر المیزان، تفسیری جامع و دربردارنده مباحث تحلیل و نظری با رویکرد غالبی فلسفی است که هم‌زمان با مباحث تفسیری مرسوم، به مسائلی که حاصل نهضت جدید تفسیری است، پرداخته است (معرفت، ۱۴۱۸، ۲: ۴۷۰؛ ایازی، ۱۳۷۳: ۷۰۳). در حوزه تفسیر شیعی، تفسیر المیزان را باید از نخستین تفاسیری معرفی کرد که رویکرد گسترده‌ای به معارف اجتماعی قرآن داشته و تنها تفسیر مبسوطی است که مباحث مهم اجتماعی را ذیل عناوین مستقلی مطرح نموده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۳۳۷؛ همان، ۲: ۱۴۹؛ همان، ۴: ۹۲).

از تفاسیر اجتماعی معاصر در ایران تفسیر تسنیم است، این تفسیر تربیتی- موضوعی که هنوز نگارش آن به اتمام نرسیده است محصول تراوش‌های اندیشه بلند و افکار ناب مؤلف حکیم آیت‌الله جوادی آملی است؛ این تفسیر از جهت گرایش تفسیری متأثر از مفسر فیلسوف و امامی مذهب خود با گرایشی، معرفتی، اخلاقی- تربیتی و اجتماعی شکل گرفته است. (اسلامی، مصطفی پور، ۱۳۸۹: ۱۰۰). حضور فعال مفسر تسنیم، در عرصه تفکر معاصر و عرصه‌های اجتماعی و

سیاسی و آشنایی نزدیک با وضعیت فرهنگی و اجتماعی جهان امروز و آگاهی از جریان‌های فکری موجود، سبب اصلی انعکاس گفتمان زمان در تفسیر «تسنیم» و خلق تفسیری در پاسخ به نیاز دوران و از جنس زمان شده است. (فهیمی تبار، ۱۳۸۷: ۱۳-۱۴). آیت‌الله جوادی آملی هم‌زمان با بیان اصطلاحات عرفانی، فلسفی و منطقی قابل فهم خواص از ادبیات و واژگان متداول و رایج برای تفهیم عوام بهره برده‌اند (جوادی آملی، بی‌تا، ۱: ۲۲۶، ۲۴۸؛ همان، ۴: ۵۱، ۱۴۵، ۳۲۴، ۶۱۹؛ همان، ۱۱: ۶۲۰، ۷۰۳). ایشان در کنار توجه به بهره‌گیری از ادبیات معاصر نسبت به گفتمان معرفت‌شناسانه عصر حاضر که به‌طور غالب در سطح اندیشمندان هر دوره است، فعالانه برخورد نموده‌اند و تفسیری عصری و زنده و پویا خلق نموده‌اند و آنچه امروزه با نام «کلام جدید» شناخته می‌شود و آنچه در عرصه سیاسی و اجتماعی و به گفتمان تبدیل شده است را مورد دقت نظر خود قرار داده است (فهیمی تبار، ۱۳۸۷: ۱۳ و ۱۴).

۵. مبانی گرایش اجتماعی

مبانی جمع «مبنا» به معنای اساس، بنیاد و بنیان یک شیء است. (معین، ۱۳۷۱: ۳۷۷). مبانی تفسیر قرآن به پیش‌فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا علمی گفته می‌شود که مفسر با پذیرش و مبنا قرار دادن آن‌ها، به تفسیر قرآن می‌پردازد (شاکر، ۱۳۸۲: ۴۰) و بر شیوه هر تفسیر اعم از روش یا گرایش اثر می‌گذارد، به‌طوری که تفاوت شیوه‌های تفسیری برخاسته از تفاوت در مبانی است (ر. ک: مؤدب، ۱۳۹۲: ۵۷). برخی از صاحب‌نظران، مبانی را به دودسته کلی مبانی دلالتی و مبانی صدور تقسیم کرده‌اند. (شاکر، ۱۳۸۲: ۴۰) مراد از مبانی صدور آن دسته از مبانی است که درصدد اثبات صدور قرآن موجود به کمال و تمام از ناحیه خداوند است. (همان) مبانی دلالتی به مبانی گفته می‌شود که به سامان‌دهی فرایند فهم مراد خداوند از متن می‌پردازد. با گسترش برخی دانش‌ها و علوم عصر جدید، مفسر اجتماعی، دانش‌های عصر جدید را به حوزه تفسیر نیز گسترش می‌دهد، در نتیجه دست آورده‌ای جدید در حوزه تفسیر رخ می‌دهد (همان: ۴۲).

لازمه پذیرش مبانی خاص تفسیر اجتماعی، پذیرش مبانی عام تفسیر است؛ پذیرش امکان و جواز تفسیر قرآن؛ جامعیت و جاودانگی قرآن کریم، قابل فهم بودن، زبان مفاهمه، اختصاصی بودن یا عمومی بودن فهم، استقلال دلالتی، لایه‌ها و سطوح معانی درآیات، نسبیّت یا عدم نسبیّت برداشت، عصری بودن فهم قرآن و ممنوعیت تفسیر به رأی از مهم‌ترین مبانی عام تفسیر است (آقایی، ۱۳۸۸: ۱۵).

پس از پذیرش این مبانی، مبانی خاصی درزمینه تفسیر اجتماعی مطرح است که شامل موارد ذیل می‌شود:

الف) نگاه جامع گرایانه به قرآن

منحصر نمودن آیات قرآن به یک گروه و حوزه خاص، علاوه بر این که غیرمنطقی است؛ مخالف با اهداف قرآن نیز است (آقایی، ۱۳۸۸: ۱۵). خداوند متعال در آیه شریفه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ» (بقره: ۱۸۵) به صراحت قرآن را برای همه معرفی می‌کند، هم‌چنین در آیه شریفه «وَوَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) آن را از انحصار در حوزه خاص خارج کرده و برای همه حوزه‌ها مبین معرفی کرده است؛ بنابراین گرایش تفسیر اجتماعی نه تنها مطابق با حقیقت قرآن است بلکه به عقیده نگارنده می‌تواند نویدبخش این مهم باشد که در آینده ممکن است حوزه‌های تخصصی جدیدی برای تفسیر قرآن تعریف شود؛ مانند تفسیر سیاسی قرآن، تفسیر اقتصادی قرآن، تفسیر فرهنگی قرآن و حوزه‌های مانند آن‌ها.

ب) امکان تفسیر علمی قرآن

موضوعات گوناگون علمی که در قالب اشاراتی درآیات قرآن مطرح شده است، راهنما و روشنگری درزمینه بهره‌مندی از این آیات در مقابل داعیان اصلاحات در جوامع انسانی است، همین موضوع تفسیر علمی قرآن را نه تنها ممکن، بلکه ضروری و لازم می‌نمایاند. علاوه بر این که بحث سنت‌های اجتماعی قطعی قرآن و امکان تطابق (سازگاری) آن با جهان‌شمولی‌های فرهنگی که نشان‌دهنده نقاط اشتراک جوامع در قوانین تاریخی - اجتماعی است، دلیلی برای اثبات

امکان تحلیل علمی در عرصه فلسفه تاریخ، تاریخ و اجتماع، از منظر قرآن است (ر.ک: صدر، ۱۳۸۱: ۵۹-۸۱) آیات الهی به این مبنا به دو نوع عام و خاص اشاره دارد. نوع عام مانند آیات شریفه «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» (انعام: ۸۳) و «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹)؛ و نوع خاص که در آیات متعدد از جمله آیه شریفه: «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» (یس: ۳۸) بیان شده است. این مسئله نیز می‌تواند مؤیدی بر امکان ظهور و بروز عرصه‌های جدید در حیطه تفسیری باشد.

ج) امکان استخراج قوانین جامعه‌شناختی در دو بخش تاریخی و اجتماعی از قرآن واضح و مبرهن است قرآن، بر پایه یافته‌های دقیق و صحیح می‌تواند نظام‌های گوناگون در حیطه زندگی بشری را تبیین نماید. به‌عنوان مثال تصریح در بیان برخی از قوانین همچون آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) و نظایر آن که بیانگر سرگذشت نمرودها، فراعنه، ابوسفیان‌ها است و همراه با تحلیل و بررسی عوامل این وقایع، تذکر و هشدار برای دوره‌های دیگر جامعه بشری است که هر دولت و جامعه‌ای که در مسیر گذشتگان قدم بردارد به سرنوشت آنان مبتلا خواهد شد (آل عمران: ۱۳۷) چنان‌که در مقابل «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ سرگذشت پرهیزکاران، همان سرنوشت انبیاء و صالحان است که عاقبت زمین را به ارث خواهند برد، زیرا «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِيهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد با پژوهش‌های جدید می‌توان مجموعه‌ای از سنن و قوانین الهی را که در عرصه اجتماع کمتر از آن‌ها یاد شده را از قرآن استخراج نمود.

د) امکان تعیین و ترسیم اصول نظام اجتماعی مطلوب از نگاه قرآن

تعیین و ترسیم اصول نظام اجتماعی، به دلیل نقش آن در زندگی بشری و تناسب آن باهدف مشترک تمام ادیان به‌ویژه دین اسلام در آرمان‌گرایی، علاوه بر آن که گستره بهره‌مندی از آیات قرآن در مسائل و موضوعات اجتماعی و حیات اجتماعی انسان را بیشتر می‌کند، آن را اصولی‌تر می‌نماید. آرمان‌گرایی جایگاه ویژه‌ای در همه مطالعات اجتماعی، صرف‌نظر از نوع نگرش آن‌ها دارد و به‌طور غالب تحت عناوینی چون «مدینه فاضله»، «اتوپ»، «هزاره‌ها» و «ناکجاآبادها» از آن یاد می‌شود. (مؤدب و روحانی زاده، ۱۳۹۲: ۵۷-۸۷).

با توجه به این که هدف اساسی قرآن در حوزه اجتماعی، شکل‌گیری جامعه سالم و صالح است (انبیا / ۱۰۵) با تأمل و تدبیری در شعارهای محوری قرآن پیرامون جامعه سالم (عدالت، برابری و مساوات، آزادی) می‌توان توانایی قرآن برای ارائه چنین آینده‌ای را به اثبات رساند.

میان هدف متعالی قرآن در ارائه مدینه فاضله و دیدگاه‌های جامعه‌شناختی نوعی هم‌آهنگی وجود دارد، از آنجا که در تبیین جامعه آرمانی در نگاه جامعه‌شناختی نقص فراوان به چشم می‌خورد، تصویر صحیح این جامعه را قرآن هرچند به‌اجمال ارائه می‌کند؛ جامعه‌ای که در آن فقط خدا پرستش می‌شود و در پی برقراری عدالت و برادری است. تمایلات نفسانی کنترل‌شده و بهره‌وری از حیات بشری به حد اعلی خود می‌رسد؛ آنجا که در آیه پنجم سوره قصص می‌فرماید: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (آقای، ۱۳۸۶: ۱۱-۳۶).

ه) وجود و امکان شناسایی مفاهیم، محورها و گزاره‌های همسو و ناظر به مباحث اجتماعی

مراجعه به ظواهر قرآن، بسیاری از محورها و مفاهیم در حوزه مبانی جامعه‌شناسی و موضوعات تخصصی در این وادی را قابل‌شناسایی می‌کند که ضمن اصلاح مبانی این علم، زمینه‌آشنایی با انسان و جامعه را در ابعاد گسترده‌تری فراهم می‌سازد. برای مثال، به‌راحتی چستی جامعه، عوامل عمده در زیست اجتماعی، ماهیت اصلی جوامع، اصالت و محوریت فرد یا جامعه را از آیات قرآنی می‌توان استخراج نمود (مؤدب، روحانی زاده، ۱۳۹۲: ۵۷-۸۷). می‌توان از بین آیات فراوانی که در این موارد وجود دارد به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰) اشاره کرد که بیان‌گر برخی از عوامل عمده در زیست اجتماعی است.

ز) عقل‌گرایی

از مهم‌ترین مبانی گرایش تفسیر اجتماعی عقل‌گرایی است که باعث تمایز این گرایش تفسیری از سایر گرایش‌های تفسیری است؛ گرچه روش عقلی یا

عقل‌گرایانه در طیف وسیعی از مفسران گذشته سابقه داشته و اهتمام به مسائل جامعه نیز بیشتر در ابعاد سازندگی روحی و معنوی کم‌وبیش در میان مفسران دیگر قابل پیگیری است اما تفاوت و تمایزهای ماهوی، مبنایی و روشی میان این گرایش با جریان‌های مشابه وجود دارد. (قاضی‌زاده، ۱۳۸۸: ۹) در حلقه جریان‌های اصلاحی عقل‌گرا، وجوه تمایز جریان حاضر از جریان علمی تأویلی شبه‌قاره هند که با سید احمدخان هندی آغاز شد را می‌توان در دو مسئله دانست اول داشتن دغدغه‌های اساسی در مسائل مهم جامعه و جستجوی راه‌حل‌های قرآنی و دوم انتخاب رویکردی اعتدالی‌تر در عقل‌گرایی و اذعان به محدودیت‌های عقل بشری در فهم آموزه‌های فرا طبیعی قرآن (مطهری، بی‌تا: ۳۱)؛ هم‌چنین در دامنه تفاسیر اصلاحی اجتماعی، باوجود وجوه مشترکی چون ابعاد هدایت‌گرانه و حرکت آفرین، وجه متمایز این جریان از آثاری چون آنچه در میان جماعت اخوان المسلمین نظیر سید قطب در فی ظلال القرآن و سعید حوی در الاساس و دیگران نگارش یافته، اهتمام به محوریت عقل و تبیین عقلانی در تفسیر و به تبع آن، تقریب و همگون‌سازی عناصر اندیشه سیاسی اجتماعی عصر مانند شورا، دموکراسی، آزادی و مانند آن‌ها با آموزه‌های قرآنی است (نفیسی، ۱۳۷۹: ۳۴۷-۳۹۰).

مطلب مهم دیگر این که در مجموعه تفاسیر اصلاحی، شاخصه این جریان نسبت به جریان سلفی وهابی، روش عقل‌گرایانه در دوری از نگرش‌های ظاهرگرایانه به متون دینی به‌ویژه در حوزه عقیدتی از یک‌سو و رویکرد اصلاح‌طلبانه در بعد اجتماعی سیاسی به‌جای اصلاح صرفاً عقیدتی از سوی دیگر است؛ البته شماری از مفسرانی که به‌نوعی با این جریان پیوند خورده‌اند نظیر سید محمد رشید رضا، محمد جمال‌الدین قاسمی به جریان فوق نزدیک شده‌اند (خرمشاهی، ۱۳۶۴: ۹۳-۱۰۱).

رویکرد عقل‌گرا در تفسیر اجتماعی موردانتقاد ذهبی واقع شده و اشکال آن را آزادی زیاد عقل در تفسیر می‌داند که برخی حقایق شرعی را به‌صورت مجاز یا تمثیل بیان می‌کند (ذهبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۴۷-۵۵۰)؛ ولی آیت‌الله معرفت، گسترش عقل‌گرایی در این گرایش را از امتیازات آن می‌داند که جلوی روایات ضعیف و جعلی را در تفسیر می‌گیرد (معرفت، ۱۴۱۸ ق، ۲: ۴۵۳).

آیت‌الله معرفت در این زمینه می‌نویسد: «این مکتب در برابر تفسیر، دری گشود که از زمان‌های دور بسته بود؛ بدین معنا که به عقل انسان آزادی و اختیاری گسترده بخشید تا در پهنه‌ای وسیع که خداوند به او داده است به تدبّر و اندیشه پردازد؛ همان‌طور که قرآن می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴) عقل رشید را درباره گزاره‌های دینی به قضاوت می‌گذارد و آنچه را با ظواهر شرع منافات دارد تأویل می‌کند و با این آزاداندیشی و رویکرد به خرد- در سطحی چنین وسیع- با پیروان مکتب عدل همگام است؛ همان چیزی که علمای هوشمند گذشته بر آن بودند» (همان).

ح) تأکید بر هدایت‌گری قرآن

از مهم‌ترین ویژگی‌های قرآن که در واقع هدف نزول این کتاب آسمانی است هدایت‌گری قرآن و نحوه قانون‌گذاری آن است چنان‌که در آیات متعدد و از جمله آیه شریفه «الر* كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم: ۱) به آن اشاره دارد. این ویژگی در گرایش اجتماعی به دلیل پرداختن به بعد جامعه‌شناسی قرآن نمود بیشتری دارد. (قاضی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴) هرچند به عقیده نگارنده این نمود بیشتر نه به خاطر پرداختن به بعد جامعه‌شناختی قرآن، بلکه به خاطر پرداختن به سایر ابعاد شناختی قرآن است و در صورت انجام پژوهش‌های جدید در حوزه‌هایی غیر از حوزه جامعه‌شناسی، در آن حوزه‌ها نیز ویژگی هدایت‌گری قرآن نمود پیدا خواهد کرد.

۶. شاخصه‌های تفسیر اجتماعی

با توجه به مبانی مذکور برخی شاخصه‌ها و ویژگی‌ها برای تفسیر اجتماعی بیان شده که البته به عقیده نگارنده برخی از آن‌ها قابل مناقشه است. به‌طور کلی می‌توان این شاخصه‌ها را در دو گروه روشی و آثاری دسته‌بندی کرد.

الف) شاخصه‌های مربوط به روش

برخی شاخصه‌های گرایش تفسیر اجتماعی مربوط به روش‌هایی است که در آن استفاده می‌شود که در اینجا به آن‌ها پرداخته می‌شود.

استفاده از روش تفسیر عقلی: یکی از شاخصه‌های روشی در گرایش تفسیر اجتماعی استفاده از روش تفسیر عقلی و آزادی و اختیار بخشیدن به عقل انسان است تا در سایه آن به تدبیر و اندیشه پردازد (معرفت، ۱۴۱۸ ق: ۴۵۲-۴۵۳) از آنجاکه در تفسیر اجتماعی، قدرت ارزیابی و تحلیل آیات قرآنی بیشتر در پرتو کندوکاوهای عقلی رخ می‌دهد و تبیین نظریه‌ها و مفاهیم قرآنی با قوه اجتهاد محقق می‌شود، به همین دلیل تا حدودی این گرایش عقل‌گرا است. البته مفسر اجتماعی ناچار است از روایات به‌عنوان ابزار تفسیر بهره‌برد، اما پذیرش روایات با محک عقل و برهان صورت می‌گیرد (فخر زارع، ۱۳۹۱: ۱۲۲)؛ بنابراین می‌توان گفت در تفسیر اجتماعی، عقل در تبیین آیات الهی حضور بیشتری نسبت به نقل دارد زیرا بسیاری از مسائل مستحدثه به‌صورت صریح در متون دینی نیامده است؛ و درواقع این عقل است که با فعالیت‌های خود می‌تواند افق‌های جدیدی در تفسیر متون دینی و قرآن کریم بگشاید و معلومات جدیدی را به علوم بشری بیفزاید. این روش مورد تأیید روایات نیز است یعنی درجایی که نقل حضور ندارد از فعالیت عقل برای به دست آوردن معلومات جدید دینی حمایت‌شده است چنان‌که در روایات معصومین (ع) آمده است القای اصول با ما است و رسیدن به فروع با شما است. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۲: ۲۴۵) و پرواضح است که حرکت از اصول و رسیدن به فروع درحالی که نقل حضور ندارد بدون فعالیت عقل معنا ندارد.

بیان سنن و نظام‌های اجتماعی نهفته در قرآن: این ویژگی برای درمان مشکلات موجود جوامع و درمان عقب‌ماندگی‌های امت اسلامی با استخراج مسائل گوناگون علمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و موضوعات مرتبط با سنن اجتماعی، قوانین بشری و صنعت و تمدن و تلاش در جهت ایجاد وفاق میان اسلام و معیارهای زندگی در عصر جدید است (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۶۱؛ معرفت، ۱۴۱۸ ق: ۴۵۲-۴۵۳؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۴۷). این مطلب بیان‌گر آن است که برخلاف ادعای غربی‌های متأثر از دوران قرون‌وسطی و تقابل روحانیان کلیسا و دانشمندان، در اسلام نظریه تعارض بین علم و دین جایگاهی ندارد.

استفاده از تأویل و مجاز در آیات منافی حقایق ثابت: تأویل بردن یا مجاز دانستن ظواهر آیات و روایاتی که با حقایق ثابت شرعی یا عقلی یا علمی منافات دارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۴۷) از دیگر ویژگی‌های شمرده شده برای این گرایش تفسیری قرآن است. به عنوان نمونه مغنیه در تفسیر آیات «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ...» (بقره: ۳۵) نخست عصمت انبیا را عقلاً اثبات می‌کند و سپس آیاتی که به ظاهر با عصمت انبیا ناسازگار است را تأویل می‌نماید (رک: مغنیه، ۱۴۲۴ ق: ۸۶) البته به عقیده نگارنده نمی‌توان گفت این ویژگی مختص تفسیر اجتماعی است زیرا در گرایش‌های دیگر نیز این ویژگی وجود دارد. به عنوان مثال در آیه شریف «وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا» (فجر: ۲۲) تفسیرهای دیگر با گرایش‌های گوناگون نیز آیه شریفه را به ظاهر الفاظ معنا نکرده‌اند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰: ۷۴۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۳۱: ۱۵۹).

نگرش به قرآن فارغ از تأثرات مذهبی: در این روش سعی بر آن است که مفاهیم قرآن آن گونه که هست بر مردم عرضه شود؛ نه آنکه قرآن را به دنبال هوس‌ها و خواسته‌های گروهی خاص بکشاند. (معرفت، ۱۴۱۸ ق، ۲: ۴۸۳). به عقیده نگارنده این ویژگی نیز مختص گرایش اجتماعی تفسیر نیست زیرا در گرایش‌های دیگر تفسیر نیز این ویژگی یافت می‌شود به عنوان مثال فخر رازی باینکه از اهل تسنن است ذیل آیه مباهله «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران: ۶۱) تصریح می‌کند که مصداق «انفسنا» علی (ع) است (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۸: ۲۴۸) هرچند که در برخی از تفسیرها تأثر و تعصب مذهبی نیز به خوبی مشاهده می‌شود چنان که سیوطی ذیل همین آیه مباهله به روایتی اشاره کرده که در برابر گزارش درست رویداد مباهله وضع شده با این هدف که فضیلتی برای کسانی غیر از اهل بیت ثابت شود. وی ذیل آیه مباهله آورده ابن عساکر از قول جعفر بن محمد از قول پدرش درباره این آیه «تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا الْآيَةَ» آورده پس ابوبکر و فرزندان او و عمر و فرزندان او و عثمان و فرزندان او و علی و فرزندان او را آورد (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ۲: ۴۰) و یا مانند تفسیر ثعالبی ذیل آیه ولایت «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا

الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) که می‌گوید این آیه عمومیت دارد و هر نماز گذار و زکات دهنده‌ای را شامل می‌شود آری موقع نزول مصادف با نماز علی و حاتم‌بخشی او بود نه این که درباره او نازل شده باشد (ثعالبی، ۱۴۱۸ ق، ۲: ۳۹۶).

پرهیز از روایات تفسیری ضعیف و جعلی: در این روش برای فهم و تبیین قرآن از روایات تفسیری ضعیف و جعلی پرهیز شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۴۷-۴۴۶) و داشتن دیدی نقادانه به روایات اسرائیلی (معرفت، ۱۴۱۸ ق، ۲: ۴۸۳) به دلیل استفاده از مستندات عقلی و منطقی و روایی صحیح (آقایی، ۱۳۸۸: ۱۲) دیده می‌شود. به عقیده نگارنده این ویژگی نیز مانند ویژگی سابق مختص این گرایش نیست و در گرایش‌های دیگر تفسیر نیز مشاهده می‌شود به‌عنوان مثال تفسیر شریف لاهیجی که یک تفسیر روایی است از روایات تفسیری ضعیف و جعلی پرهیز می‌کند. (میلدی، ۱۳۷۶: ۲۳۸-۲۶۲)

تمرکز بر آیات مبین مسائل اجتماعی: در این گرایش تفسیری به آیاتی از قرآن که مسائل اجتماعی را بیان می‌کند پردازش بیشتری صورت می‌گیرد. (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۸ ق، ۲: ۴۸۳؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۴۷) این شاخصه صحیح و البته امری طبیعی است چنان که در تفسیرهای فقهی نیز آیاتی که احکام را بیان می‌کنند بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

توجه خاص به تعالیم تربیتی: به عقیده برخی تفسیر اجتماعی توجه خاص به آموزه‌های تربیتی و ارشادی قرآن دارد (معرفت، ۱۳۷۹، ۲: ۴۸۳) به عقیده نگارنده این تعبیر دقیق نیست زیرا این ویژگی در دیگر گرایش‌های تفسیری نیز به‌وفور دیده می‌شود. بلکه می‌توان گفت شاخصه دیگر تفسیر اجتماعی توجه به تعالیم تربیتی در حوزه اجتماعی است وگرنه پرداختن به آموزه‌های تربیتی و ارشادی قرآن در حوزه فردی قدمتی بیش از هزار سال دارد.

پرهیز از طرح تفصیلی مباحث غیراجتماعی: از طرح تفصیلی مباحث ادبی، فقهی، کلامی و مانند آن در تفسیر اجتماعی پرهیز شده (قاضی زاده، ناظمی ۱۳۸۸: ۵-۲۳) و دوری از به کار بردن اصطلاحات علوم و فنون، فلسفه و کلام جز در حد نیاز و ضرورت مدنظر قرار گرفته است؛ همچنین در این شیوه، از ورود به

امور غیبی که جز از طریق احادیث صحیح قابل شناخت نیستند پرهیز شده است. (معرفت، ۱۴۱۵ ق، ۲: ۴۵۲). این ویژگی صحیح و به عقیده نگارنده مانند ویژگی «تمرکز بر آیات مبین مسائل اجتماعی» مقتضای این گرایش است. بر اساس نظر بعضی از صاحب نظران رابطه تنگاتنگی میان تفسیر اجتماعی و تفسیر ادبی معاصر وجود دارد، از همین رو رشید رضا به پیروی از محمد عبده، «علم به احوال بشر» را از لوازم ضروری تفسیر قرآن برمی شمرد. (رشید رضا، ۱۳۷۳ ق، ۱: ۲۲ - ۲۳) چنان که امین خولی نیز یکی از مؤلفه‌های تفسیر ادبی مورد نظر خود را بهره‌مندی از دانش جامعه‌شناسی می‌داند. (امین الخولی، ۱۹۶۱ م، ۱: ۳۱۶ - ۳۱۷). بر اثر بروز این گرایش تفسیری برای نخستین بار در تفسیر عبده و تکیه آن به شیوه تفسیر ادبی قرآن، بعضی محققان از این گرایش تفسیری با عنوان «شیوه ادبی - اجتماعی» در تفسیر یاد کرده‌اند (ذهبی، بی تا، ۲: ۵۴۷ - ۵۴۸؛ معرفت، ۱۴۱۸ ق، ۲: ۴۸۱). به نظر می‌رسد این نظر صحیح نباشد؛ زیرا بسیاری از گرایش‌های دیگر تفسیری نیز با تفسیر ادبی رابطه نزدیک دارند و علت آن نیز این است که پایه استخراج مفاهیم از قرآن، بدون فهم صحیح از ادبیات ممکن نیست بلکه برخی از گرایش‌های تفسیری مانند گرایش عرفانی ممکن است چنین نباشند.

عدم ورود به ابهامات قرآن: از دیگر ویژگی‌های تفسیر اجتماعی، پرهیز از ورود به حیطه اموری است که خود قرآن آن‌ها را در حاله‌ای از ابهام قرار داده است؛ مانند برخی از الفاظ مبهم قرآنی، حروف مقطعه و امور غیبی که تفسیر آن‌ها جز با اتکا به روایات صحیح مقدور نیست و همچنین عدم ورود به جزئیات مسائل برزخ و قیامت است (معرفت، ۱۴۱۸ ق، ۲: ۴۸۱؛ علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۶۰). به عقیده نگارنده این ویژگی از ویژگی‌های مختص گرایش اجتماعی تفسیر نیست؛ زیرا بسیاری از تفسیرهای دیگر نیز در مواجهه با ابهامات قرآن ورود نکرده‌اند و البته برخی از موارد فوق مانند جزئیات مسائل پس از مرگ، برای غیر گرایش روایی تفسیر، اصولاً امکان ورود هم وجود ندارد؛ زیرا جزئیات پس از مرگ نه به حس و تجربه درآمده و نه عقل به آن راه دارد و درک آن‌ها یا به شهود است که برای دیگران حجت نیست یا به روایات معصومین (ع) است.

بنابراین عدم ورود به جزئیات مسائل برزخ و قیامت شامل همه گرایش‌های تفسیری به جز گرایش روایی می‌شود و اختصاصی به گرایش اجتماعی تفسیر ندارد.

بیان شیوا و ساده: به نظر برخی استفاده از بیانی رسا و ساده در تفسیر نگاری به منظور قابل فهم بودن برای عموم مردم ویژگی خاص دیگر گرایش تفسیر اجتماعی است. (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۸ ق، ۲: ۴۵۱ - ۴۵۲؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۴۷). به عقیده نگارنده شیوایی کلام و سادگی بیان نیز از مختصات گرایش اجتماعی تفسیر نیست زیرا این ویژگی در گرایش‌های دیگر تفسیری نیز مشاهده می‌شود به عنوان مثال تفسیر مجمع‌البیان که تفسیری ادبی - کلامی است نیز از این ویژگی برخوردار است. تفسیر نور تألیف محسن قرائتی نیز که در دسته تفسیرهای اجتماعی شمرده نمی‌شود بیانی شیوا و ساده دارد.

توجه به شبهات مخالفان: شاخصه دیگر توجه به شبهات و اشکالات مخالفان نسبت به قرآن و اسلام و پاسخ‌گویی به آن‌ها به‌ویژه آنکه عمده شبهات و محور مخالفت دشمنان اسلام با قرآن و مکتب اهل بیت مربوط به ابعاد مختلف مسائل جامعه است (معرفت، ۱۴۱۸ ق، ۲: ۴۵۲). به عقیده نگارنده این شاخصه تا قبل از ظهور گرایش اجتماعی تفسیر بیشتر معطوف به شبهات سنتی در دایره اعتقادات یا همان علم کلام به‌ویژه در حوزه امامت و جانشینی پیامبر اکرم (ص) بوده است اما با ظهور این گرایش توجه به شبهات در مسائل مستحدثه و معاصر در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و مانند آن در کانون توجه مفسران قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین این حوزه‌ها مسائل کلامی جدید یا همان کلام جدید است؛ بنابراین بهتر است این ویژگی را «توجه به شبهات مخالفان معاصر» نام نهاد.

توجه به جهاد در برابر دشمنان: یکی دیگر از شاخصه‌های این گرایش تفسیری، توجه به جهت‌گیری‌های عصری در باب جهاد با دشمنان اسلام و استعمارگران غربی و حرکت به سوی وحدت بین مسلمانان بیان شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۴۶) که این ویژگی از بهترین ویژگی‌های تفسیر اجتماعی قرآن است، زیرا قرآن کریم مسلمانان را به قیام در برابر دشمنان

فراخوانده و مجاهدان را بر قاعدان برتری داده است (نساء: ۹۵) درحالی که در دوره‌های سابق به‌ویژه سده‌های اخیر، فقدان آن کاملاً حس می‌شده است یعنی درحالی که آیات جهاد تفسیر می‌شده اما ترغیب و تشویقی برای مقابله با ظلم و استکبار دشمنان معاصر در آن‌ها رؤیت نمی‌شود، به‌عنوان مثال در قرن دوازدهم باوجود حضور استعمارگران در بسیاری از بلاد مسلمین، در ذیل آیه ۱۰۰ سوره نساء در دو تفسیر مهم شیعه و سنی یعنی تفسیر کنز الدقائق (ر.ک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ۳: ۵۱۱) و تفسیر روح المعانی آلوسی (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵، ۳: ۱۲۳-۱۲۴) چنین شاخصه‌ای مشاهده نمی‌شود؛ برخلاف تفسیرهای معاصر مانند تفسیر الکاشف که این شاخصه در آن‌ها وجود دارد (ر.ک: مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ۲: ۴۲۱-۴۲۲) و این به معنای آن است که تفسیر قرآن کریم در سیر تکاملی خود، رو به جلو بوده است.

ب) شاخصه‌های مربوط به آثار

گروه دوم شاخصه‌ها را می‌توان مربوط به آثار تفسیر اجتماعی دانست که در اینجا به آن‌ها پرداخته می‌شود.

جلوگیری از نگاه تک‌بعدی و متحجرانه به قرآن با زمینه‌سازی نگاه چندبعدی به آن: این خصوصیت، ابعاد مادی و معنوی؛ و فردی و اجتماعی و همچنین اولویت‌ها را مورد توجه قرار داده و مانع افراط و تفریط اهل دقت و تأمل می‌شود (آقایی، ۱۳۸۸: ۱۱-۳۶). به عقیده نگارنده هرچند تعبیر فراهم‌سازی زمینه نگاه چندبعدی به قرآن کریم صحیح به نظر می‌رسد اما تعبیر جلوگیری از ورود به دیدگاه‌های متحجرانه، قابل مناقشه است زیرا دیدگاه‌های متحجرانه در تفسیر اجتماعی نیز می‌تواند وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال سید قطب مؤلف تفسیر اجتماعی «فی ظلال القرآن» به‌شدت با ارتباط دادن قرآن با علوم بشری مخالفت کرده است. وی در این باره می‌گوید: من از سادگی پیروان و طرفداران متعصب قرآن تعجب می‌کنم که می‌کوشند آنچه را از قرآن نیست به آن اضافه کنند و معانی‌ای را بر آن بار کنند که مقصد قرآن نیست و جزئیات علوم طب و شیمی و نجوم را از آن استخراج کنند. آنان گمان می‌کنند با این کار به عظمت و شکوه آن می‌افزایند؛ حال آنکه قرآن خود، کتاب کامل و جامعی است و

موضوع آن از همه این علوم عظیم‌تر و بزرگ‌تر است؛ زیرا این انسان است که این دانش‌ها را کشف می‌کند و از آن‌ها بهره می‌برد؛ بحث و آزمایش و مقایسه و تطبیق از خواص عقل انسان است و قرآن به ساختن این انسان و تربیت و پرورش شخصیت و وجدان و عقل و تفکر او می‌پردازد و همچنین به ساختن جامعه‌ای انسانی می‌پردازد که به آدمی اجازه و امکان دهد تا از نیروهای نهفته در خود به بهترین وجهی استفاده کند (سید قطب، ۱۴۱۲ ق، ۱: ۱۸۱).

این کلام سید قطب هرچند از جهت کامل، جامع و عظیم دانستن قرآن و نیز وظیفه اصلی قرآن که تربیت انسان است صحیح است اما از جهت نفی کامل ارتباط کلام الهی با استخراج علوم بشری صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا کمال، عظمت و وظیفه اصلی قرآن باینکه بتوان برخی از علوم بشری را از آن استخراج کرد منافات ندارد، به عبارت روشن‌تر همان‌طور که بار کردن معانی‌ای بر قرآن که مقصد آن نیست سخنی ناصواب است، رد کردن مطلق ارتباط کلام الهی با این معانی و عدم توانایی قطعی استخراج علوم بشری از قرآن نیز سخنی بی‌دلیل و ناصواب است و هنگامی که مؤلف با ادبیات تنیدی چنین مطلبی را بیان می‌کند به نوعی بوی تحجر از آن استشمام می‌شود.

افزایش قدرت تطبیق آیات بر زندگی عصری و موقعیت اجتماعی:

افزایش امکان تطابق آیات قرآن بر زندگی معاصر یکی دیگر از شاخصه‌های تفسیر اجتماعی است (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۶۱). توجه و واقع‌نگری به تحولات و نیازهای جامعه، عاملی مهمی در دوری مفسر اجتماعی از محدود نمودن تفسیر در دایره مباحث ادبی، لفظی، اسباب نزول و مانند آن است؛ مفسر اجتماعی می‌کوشد تا به تبیین رابطه قرآن با سرنوشت فرد و اجتماع بپردازد، ادبیات چنین تفسیری در ارتباط مستمر و گسترده با واقعیات زندگی بشر و نیازهای جدید مخاطبان است (قاضی زاده و ناظمی، ۱۳۸۸: ۵-۲۳). این ویژگی تفسیر اجتماعی در واقع تأییدی بر ادعای جاودانگی قرآن کریم بوده و یادآور فرمایش امام علی (ع) است که فرمود: «وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفَىٰ عَجَائِبُهُ وَلَا تَنْقُضِي عَرَائِبُهُ وَلَا تُكْشَفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸).

هماهنگی گرایش اجتماعی با عمده مباحث مطرح در قرآن کریم حول مسائل

اجتماعی و خاستگاه اصلی دین اسلام یعنی حیات اجتماعی: یکی دیگر از شاخصه‌های گرایش اجتماعی تفسیر، مشاهده هماهنگی بیشتر مباحث قرآن کریم با مسائل اجتماعی عنوان گردیده است (آقای، ۱۳۸۸: ۱۱-۳۶). به عقیده نگارنده این ادعا که حیات اجتماعی خاستگاه اصلی دین اسلام است، قابل نقد و بررسی است. اگرچه به فرموده علامه طباطبایی «در فردی‌ترین آیات قرآن، جنبه اجتماعی در نظر گرفته شده و اساساً خاستگاهی اجتماعی پیدا کرده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۴: ۹۲)؛ اما این به این معنا نیست که اصالت با حیات اجتماعی است بلکه به این معنا است که مباحث فردی و اجتماعی در قرآن طوری درهم‌تنیده شده که به راحتی قابل انفکاک نیستند.

قربت با فلسفه نبوت: ویژگی دیگر تفسیر اجتماعی نزدیکی تفسیر اجتماعی با فلسفه نبوت و مستندات آن است چراکه دغدغه‌های اجتماعی انسان‌های معاصر پیامبران و رهایی واقعی آنان از غلّ و زنجیرهای فرهنگ‌های جاهلی، جز با فلسفه نبوت که عمدتاً حیات اجتماعی زمینه عینیت آن را فراهم می‌آورد، مقدور نیست (آقای، ۱۳۸۸: ۱۱-۳۶). به عقیده نگارنده این تعبیر تام نیست یعنی نمی‌توان گفت فلسفه نبوت عمدتاً در حیات اجتماعی عینیت می‌یابد، بلکه فلسفه نبوت هدایت‌گری به کمال لایق انسان است که بخشی از آن در حیات اجتماعی عینیت می‌یابد و گرنه ممکن است درجایی غلّ و زنجیر از دست و پای انسان‌ها باز شده باشد و رهایی واقعی از دیگران هم محقق شده باشد؛ اما همچنان فلسفه نبوت تحقق نیافته باشد و انسان‌ها در غلّ و زنجیر نفس باشند و از آن رهایی نیافته باشند. بنابراین بهتر است گفته شود این گرایش تفسیر، با بخشی از فلسفه نبوت، یعنی بخشی که در حیات اجتماعی عینیت می‌یابد نزدیکی بیشتری دارد.

انکار و نکوهش تقلید به‌ویژه در تفسیر قرآن: یکی دیگر از شاخصه‌های آثاری تفسیر اجتماعی، انکار و مذمت تقلید به‌خصوص در تفسیر قرآن کریم است. (قاضی‌زاده و ناظمی، ۱۳۸۸: ۵-۲۳؛ معرفت، ۱۴۱۸ ق، ۲: ۴۸۳) مفسّر گرایش اجتماعی، تقلید گونه با تفسیر برخورد نمی‌کند و می‌کوشد با اسلوبی زیبا سنن اجتماعی آیات قرآن را بر نیازهای عصر تطبیق کند (رضایی

اصفهان‌ی، ۱۳۸۲: ۴۴۶-۴۴۷). به عقیده نگارنده این ویژگی را نمی‌توان از ویژگی‌های تفسیر اجتماعی در نظر گرفت زیرا گونه‌های دیگر تفسیر نیز از این ویژگی برخوردار بوده و هستند؛ به عبارت دیگر مواجهه اجتهادی با تفسیر قرآن از سابق در گرایش‌های مختلف تفسیری وجود داشته است. بزرگ‌ترین دلیل برای این ادعا وجود تفسیرهای متعدد قرآن کریم در گرایش‌های مختلف در طول تاریخ تفسیر است در حالی که اگر تقلید کامل و گسترده وجود داشت این تعداد تفسیر به رشته تحریر در نمی‌آمد.

بهره‌مندی اندیشمندان مصلح از آموزه‌های قرآنی: مباحثی که قرآن در موضوع مبارزه با ظلم، تباهی و فساد، عدالت اجتماعی، نفی حاکمیت مشرکان و اثبات پیروزی مستضعفان و ترسیم یک نظام اجتماعی کامل و مطلوب مطرح نموده است، هر یک به نحوی در گفتار و نوشتار مصلحان اجتماعی شرق و غربی ذکر شده است؛ منشأ بسیاری از این همسویی‌ها را می‌توان در بهره‌مندی مصلحان از آموزه‌های قرآنی و دینی جست. نمونه عینی سازگاری تمام‌عیار قرآن با فطرت ناب انسانی، تطابق بسیاری از نیازهای معقول مستضعفان؛ با اصول و مبانی مطرح در قرآن جهت اصلاح جامعه است (آقای‌ی، ۱۳۸۸: ۱۱-۳۶). به عقیده نگارنده این شاخصه صحیح است و علت آن نیز تطابق بین آموزه‌های شرع مقدس و عقل سلیم است؛ به عبارت دیگر از آنجا که منشأ افاضه هر دو یکی یعنی پروردگار عالم است یک هماهنگی بین اندیشمندان مصلح و دلسوزان حقیقی جوامع با آموزه‌های قرآنی مشاهده می‌شود.

استفاده از نظریات ثابت علمی و توجه به بعد علمی قرآن کریم و اثبات همگامی قرآن با تطورات زمانه: در تفسیر اجتماعی مفسر بر آن است میان قرآن و نظریه‌های صحیح و ثابت علمی هماهنگی ایجاد کرده یا حداقل فقدان تعارض میان قرآن و قضایای علمی را به اثبات رساند (معرفت، ۱۴۱۸ ق، ۲: ۴۵۲)؛ البته این ویژگی در صورتی قابل توجه است که نظریات ثابت علمی را در زندگی اجتماعی امروز بسیار دخیل و تأثیرگذار بدانیم وگرنه هم نظریات علمی در سابق تأثیرگذاری اندک داشته‌اند و هم سعی بر هماهنگی نشان دادن آن‌ها با کلام الهی بوده است.

نتیجه‌گیری

ظهور گرایش اجتماعی تفسیر، نتیجه رویارویی عالم اسلام با فرهنگ غرب متجدد و تحولات دو قرن دوازدهم و سیزدهم هجری و تصمیم مصلحان مسلمان در جبران عقب‌ماندگی‌ها از طریق نهضت اصلاحی بازگشت به قرآن و استخراج دستورالعمل‌های زندگی از آن و نیز دریافت دستورالعمل از قرآن برای درمان امور عملی و نه نظری محض است. گرایش اجتماعی با آزادی بخشیدن به عقل و دادن اختیاری گسترده به آن، ایجاد تحوّل در تفسیر قرآن از نیازهای فردی به نیازهای اجتماع و استنطاق قرآن کریم در مسائل جهان اسلام، در مقابل فرورفتن مفرط در مباحث تکراری و خشک، زمینه‌ای را برای نوعی از تفسیر قرآن فراهم کرد که پیش از آن وجود نداشت.

برای تفسیر اجتماعی مبانی خاصی بیان می‌شود که می‌توان از مهم‌ترین آن‌ها نگاه جامع‌گرایانه به قرآن؛ امکان تفسیر علمی قرآن؛ امکان استخراج قوانین جامعه‌شناختی از قرآن کریم در دو بخش تاریخی و اجتماعی؛ امکان تعیین و ترسیم اصول نظام اجتماعی مطلوب از نگاه قرآن؛ وجود و امکان شناسایی مفاهیم، محورها و گزاره‌های همسو و ناظر به مباحث اجتماعی؛ عقل‌گرایی؛ و تأکید بر هدایت‌گری قرآن را می‌توان نام برد.

برای این رویکرد تفسیری، شاخصه‌های متعددی را نیز برشمرده‌اند که در یک تقسیم‌بندی می‌توان آن‌ها را به دو گروه روشی و آثاری تقسیم کرد. از جمله مهم‌ترین شاخصه‌های روشی که برای تفسیر اجتماعی شمرده‌اند می‌توان به استفاده از روش تفسیر عقلی، بیان سنن و نظام‌های اجتماعی نهفته در قرآن، استفاده از تأویل و مجاز در آیات منافی حقایق ثابت، نگرش به قرآن فارغ از تأثرات مذهبی، پرهیز از روایات تفسیری ضعیف و جعلی، تمرکز بر آیات مبین مسائل اجتماعی، توجه خاص به تعالیم تربیتی، پرهیز از طرح تفصیلی مباحث غیراجتماعی، عدم ورود به ابهامات قرآن، بیان شیوا و ساده، توجه به شبهات مخالفان، توجه به جهاد در برابر دشمنان اشاره کرد.

از جمله مهم‌ترین شاخصه‌های آثاری نیز که برای این گرایش تفسیری عنوان کرده‌اند می‌توان از جلوگیری از نگاه تک‌بعدی و متحجرانه به قرآن با زمینه‌سازی نگاه چندبعدی به آن، افزایش قدرت تطبیق آیات بر زندگی عصری

و موقعیت اجتماعی، هماهنگی گرایش اجتماعی با عمده مباحث مطرح در قرآن کریم حول مسائل اجتماعی و خاستگاه اصلی دین اسلام یعنی حیات اجتماعی، قرابت با فلسفه نبوت، انکار و نکوهش تقلید به‌ویژه در تفسیر قرآن، انکار و نکوهش تقلید به‌ویژه در تفسیر قرآن، اشتراک قرآن و دغدغه‌های اندیشمندان مصلح، کاهش حجم تفسیر مآثور، استفاده از نظریات ثابت علمی و توجه به بعد علمی قرآن کریم و اثبات همگامی قرآن با تطورات زمانه نام برد؛ و همان‌طور که بیان شد نگارنده در اکثر شاخصه‌های هر دو گروه مناقشه دارد به این صورت که بسیاری از عناوین مذکور را شاخصه گرایش اجتماعی تفسیر نمی‌داند و در برخی موارد نیز قائل به لزوم یا ترجیح اصلاح عناوین است.

منابع و مأخذ

- *قرآن کریم.
- ۱- آقایی، محمدرضا، (۱۳۸۸)، «روش‌شناسی تفسیر اجتماعی قرآن»، قرآن و علم، ۵، ص ۱۱-۳۶.
 - ۲- آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، محقق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
 - ۳- اسعدی، محمد، (۱۳۹۸)، «درآمدی بر اصول تفسیر اجتماعی عقلی قرآن»، مشکات، شماره ۱۴۳، ص ۴-۲۲.
 - ۴- اسلامی، علی؛ مصطفی‌پور، محمدرضا، (۱۳۸۹)، «منهج و گرایش تفسیری تسنیم»، فصلنامه حکمت اسراء، دوره ۲، شماره پیاپی ۴، ص ۸۹-۱۰۳.
 - ۵- امین الخولی، (۱۹۶۱ ق)، مناهج تجدید، مصر، دارالمعرفه.
 - ۶- اوسی، علی رمضان، (۱۳۸۱)، روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، مترجم حسین میر جلیلی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی. شرکت چاپ و نشر بین الملل.
 - ۷- ایازی، سید محمد، (۱۳۷۳)، المفسرون، حیاتهم و منهجهم، تهران، وزارت ارشاد.
 - ۸- ایازی، سید محمد، (۱۳۸۱)، «اندیشه‌های اجتماعی در تفسیر المیزان»، بینات، سال نهم، شماره ۳۴، ص ۷۳-۸۵.
 - ۹- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۸ ق)، تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، محقق: ابو سنه، عبد الفتاح و معوض، علی محمد، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 - ۱۰- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶)، شمس‌الوحي تبریزی (سیره علمی علامه طباطبایی)، قم، اسراء.
 - ۱۱- جوادی آملی، عبدالله، (بی‌تا)، تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
 - ۱۲- خرمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۶۴)، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران، کیهان.
 - ۱۳- ذهبی، محمدحسین، (بی‌تا)، التفسیر و المفسرون، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 - ۱۴- رزم‌آرا، مرتضی، (۱۳۷۵)، «جلوه‌هایی از عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۷-۸، صص ۹۸-۱۲۷.
 - ۱۵- رشیدرضا، محمد، (۱۳۷۳ ق) تفسیر القرآن العظیم (المنار)، قاهره، دارالمنار.
 - ۱۶- رضائی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۲)، درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
 - ۱۷- رضائی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۹)، «گرایش‌های تفسیری مفسران شیعه»، نشریه شیعه‌شناسی، شماره ۳۰، ص ۱۲۷-۱۵۳.
 - ۱۸- رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۶)، قرآن و علم، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
 - ۱۹- سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی، (۱۴۱۲ ق)، فی ظلال القرآن، بیروت-القاهرة، الناشر دار الشروق.

- ۲۰- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- ۲۱- شاکر، محمد کاظم، (۱۳۸۲)، مبانی و روشهای تفسیری، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۲۲- شیواپور، حامد، (۱۳۸۷)، «من وحی القرآن- تفسیری اجتماعی و واقع گرایانه»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۳، ص ۱۰۲-۱۲۹.
- ۲۳- صدر، سید محمد باقر، (۱۳۸۱)، سنت‌های تاریخ در قرآن، تهران، تفاهم.
- ۲۴- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۵- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران، ناشر ناصر خسرو.
- ۲۶- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، (۱۳۸۷)، طبقات مفسران شیعه، قم، نوید اسلام.
- ۲۷- علوی مهر، حسین، (۱۳۸۱)، روش‌ها و گرایشهای تفسیری، قم، اسوه.
- ۲۸- علوی مهر، حسین، (۱۳۸۴)، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۲۹- فاخر میدی، محمد، (۱۳۷۶)، «تفاسیر روایی قرن یازدهم هجری»، علوم حدیث، شماره ۳، ص ۲۳۸-۲۶۲.
- ۳۰- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۱- فخرزاد، سید حسین، (۱۳۹۱)، «روش شناسی تفسیر اجتماعی قرآن»، نشریه قرآن و علم، شماره پیاپی ۱۰، ص ۱۱۷-۱۳۴.
- ۳۲- فهیمی تبار، حمید رضا، (۱۳۸۷)، روش شناسی تفسیر «تسنیم»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۳، ص ۱۱-۳۹.
- ۳۳- قاضی زاده، کاظم، ناظمی، روح الله، (۱۳۸۸)، «مبانی و شاخصه‌های تفسیر اجتماعی قرآن کریم»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ششم، شماره یازدهم، ص ۵-۲۳.
- ۳۴- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.
- ۳۵- مؤدب، سید رضا، روحانی زاده، مجتبی، (۱۳۹۲)، «مبانی تفسیر اجتماعی قرآن کریم»، مجله تخصصی قرآن و علم، شماره ۱۲، ص ۵۷-۷۸.
- ۳۶- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۷- مدبر، محمد حسین، (۱۳۸۹)، «بررسی گرایش اجتماعی در تفسیر قرآن»، قرآن و علم، شماره ۶، ص ۱۸۵.
- ۳۸- مطهری، مرتضی، (بی تا)، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی صد ساله اخیر، قم، صدرا.
- ۳۹- معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۸ ق)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب (للمعرفة)، مشهد، الجامعة الرضویه للعلوم الاسلامیه.

- ۴۰- معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۵ ق)، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- ۴۱- معرفت، محمدهادی، (۱۳۷۹)، تفسیر و مفسران، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- ۴۲- معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر.
- ۴۳- مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ ق)، تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- ۴۴- نفیسی، شادی، (۱۳۷۹)، عقل گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۴۵- نفیسی، شادی، (۱۳۹۳)، «تفسیر اجتماعی قرآن، چالش تعریف و ویژگی ها»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، سال دوم، شماره چهارم، ص ۴۴-۶۴.

REFERENCES

*The Holy Qur'an.

1. Aghaei, Mohammadreza, (1388), "Methodology of Social Interpretation of the Qur'an", Qur'an and Science, No 5, pp. 11-36.
2. Alavi Mehr, Hossein, (1381), Interpretative Methods and Orientations, Qom, Osawah.
3. Alavi Mehr, Hossein, (1384), Introduction to the History of Interpretation and Commentators, Qom, Global Center of Islamic Sciences.
4. Al-Fakhr al-Radhi, Muhammad Ibn Omar, (1420 AH), Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb), Beirut, Dar Ihya Al-Turath al-Arabi.
5. Alousi, Mahmoud bin Abdullah, (1415 AH), Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim and al-Sab' al-Mathani, researcher: Ali Abdul-Bari Attiyah, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya, Muhammad Ali Beydoun's publishing Center.
6. Al-Sadr, Seyyed Muhammad Baqir, (1381), Traditions of History in the Qur'an, Tehran, Tafahom.
7. Al-Suyouti, Abdurrahman bin Abi Bakr, (1404 AH), Al-Dur Al-Manthur fi al-Tafsir bil Ma'thur, Qom: Public Library of Grand Ayatollah Mar'ashi Najafi.
8. Al-Tha'alibi, Abdurrahman bin Muhammad, (1418 AH), Tafsir al-Tha'alibi A.K.A. Al-Jawahir al-Hisan fi Tafsir al-Qur'an, researcher: Abu Sunna, Abdul-Fattah and Maawad, Ali Muhammad, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
9. Amin al-Khouli, (1961 A.H.), Manahij Tajdid, Egypt, Dar al-Marifa.
10. Aqiqi Bakshayeshi, Abdurrahim, (1387), Tabaqat Mofasseran Shia, Qom, Navid Islam.
11. Amini Tehrani, Mohammad; Shahidipour, Mohammadreza, (1398), "The role of the Islamic revolution in the development of research on reciting techniques", Qur'an Recitation Studies, No. 6(11), pp. 15-36.
12. Asadi, Mohammad, (1398), "Introduction to the principles of rational social interpretation of the Qur'an", Mishkat, No. 143, pp. 22-4.
13. Awsi, Ali Ramadan, (1381), Allameh Tabatabai's method in Tafsir al-Mizan, translated by Hossein Mir Jalili, Tehran, Islamic Propaganda Organization, International Publishing Company.
14. Ayazi, Seyyed Mohammad, (1381), "Social Thoughts in Tafsir al-Mizan", Bayyinat, Year 9, No. 34, pp. 73-85.
15. Ayazi, Seyyed Muhammad, (1373), Al-Mufasssirun, Hayatuhum wa Manhajuhum, Tehran, Ministry of Guidance.
16. Dhahabi, Mohammad Hussein, (n.d), Al-Tafsir wa Al-Mufasssirun, Beirut, Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi.
17. Fahimi-Tabar, Hamid Reza, (1387), Methodology of Tafsir "Tasnim", Qur'anic Researches, No. 53, pp. 11-39.
18. Faker Meybodi, Muhammad, (1376), "Narrative Interpretations of the 11th Century Hijri", Hadith Sciences, No. 3, pp. 238-262.
19. Fakhr Zare', Seyyed Hossein, (1391), "Methodology of Social Interpretation of the Qur'an", Qur'an and Science Journal, No 10, pp. 117-134.

20. Ghazizadeh, Kazem, Nazimi, Ruhollah, (1388), "Basics and indicators of social interpretation of the Holy Quran", Quran and Hadith Science Research, Year 6, No. 11, pp. 23-5.
21. Islami, Ali; Mustafapour, Mohammad Reza, (1389), "Tasnim's Exegetical Approach", Hekmat Isra Quarterly, Vol. 2, No. 4, pp. 103-89.
22. Javadi Amoli, Abdullah, (1386), Shams al-Wahy-e Tabrizi (Scientific biography of Allameh Tabatabai), Qom, Israa.
23. Javadi Amoli, Abdullah, (Beta), Tafsir Tasnim, Qom, Isra.
24. Khorramshahi, Bahauddin, (1364), New Commentary and Interpretations, Tehran, Kayhan.
25. Majlisi, Muhammad Baqir, (1403 AH), Bihar al-Anwar al-Jami'a fi Akhbar al-A'im-mah al-At'har, corrector: a group of scholars, Beirut, Dar Ihya Al-Turath al-Arabi.
26. Ma'rifat, Mohammad Hadi, (1379), Tafsir va Mofasseran, Qom, Al-Tamhid Publishing Cultural Institute.
27. Ma'rifat, Muhammad Hadi, (1415 AH), Al-Tamhid fi Ulum al-Qur'an, Qom, Al-Nashr Al-Islami Institute.
28. Ma'rifat, Muhammad Hadi, (1418 AH), Al-Tafsir wa Al-Mufassirun fi Thawbih al-Qa-shib, Mashhad, Jami'a al-Razwiyyah li al-Ulum al-Islamiya.
29. Moaddab, Seyyed Reza; Rouhanizadeh, Mojtabi, (1392), "Basics of Social Interpretation of the Holy Quran", Specialized Journal of Qur'an and Science, No. 12, pp. 57-78.
30. Modabber, Mohammad Hossein, (1389), "Investigation of social orientation in the interpretation of the Qur'an", Qur'an and Science, No. 6, p. 185
31. Moin, Mohammad, (1371), Farhang Farsi, Tehran, Amir Kabir.
32. Motahari, Morteza, (n.d), an overview of Islamic movements of the last hundred years, Qom, Sadra.
33. Mughniyah, Mohammad Jawad, (1424 AD), Tafsir al-Kashif, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
34. Nafisi, Shadi, (1379), Rationalism in Interpretations of the 14th Century, Qom, Islamic Propaganda Office.
35. Nafisi, Shadi, (1393), "Social Interpretation of the Qur'an, the Challenge of Definition and Characteristics", Research Journal of the Interpretation and Language of the Qur'an, Year 2, No. 4, pp. 44-64.
36. Qommi Mashhadi, Mohammad bin Mohammad Reza, (1368), Tafsir of Kanz al-Daqa'iq wa Bahr al-Ghara'ib, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization.
37. Rashid Ridha, Muhammad, (1373 AH) Tafir al-Qur'an al-Azeem (Al-Manar), Cairo, Dar al-Manar.
38. Razmara, Morteza, (1375), "Manifestations of rationalism in the interpretations of the 14th century", Qur'anic researches, No. 7-8, pp. 127 - 98
39. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (1382), Textbook of Qur'an Interpretation Methods and Orientations, Qom, Global Center for Islamic Sciences.
40. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (1386), Qur'an and Science, Qom, Researches

on Tafsir and Sciences of the Qur'an.

41. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (1389), "Interpretative Orientations of Shia commentators", *Shia Studies Journal*, No. 30, pp. 127-153.
42. Seyyed Qutb, Ibrahim Hossein Shazli, (1412 AH), *Fi Dhilal al-Qur'an*, Beirut-Cairo, Dar al-Shurrouq.
43. Shakir, Mohammad Kazem, (1382), *Basics and Methods of Interpretation*, Qom, Global Center of Islamic Sciences.
44. Shivapour, Hamed, (1387), "Min wahy al-Qur'an; A social and realistic interpretation", *Qur'anic researches*, No. 53, pp. 102-129.
45. Shoa'ei, Ali Asghar; Farahi Bakhshayesh, Ali Akbar, (1400), "Criticism of the social orientation of the contemporary interpretation of the Holy Qur'an", *Qur'anic Research of Orientalists*, No. 16(30), pp. 107-82. DOI: 10.22034/qkh.2021.5948.
46. Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1372), *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, revised by: Fazlullah Yazdi Tabatabaei and Hashim Rasouli, Tehran, Nasher Khosrow.
47. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, (1417), *Al-Mizan fi Tafsi al-Qur'an*, Qom, Islamic Publications Office.